

Z0000075

1400.6.22

از دقیقه 37.20 تا 56.01 تایپ شد

مطالب ارزشمندی برادرانمان فرمودند حالا دو سه موضوع که بحث شد و می شود عرض می کنم ما در مورد طالبان قبلا یکی دو بار بحث کردیم ولی باز به آن اشاره شده و می شود عرض کنم ما بالاخره با طالبان دو راه که بیشتر نداشتیم، یک راه این بود که مقابله می کردیم و درگیر می شدیم و خب خودمان می شدیم یک طرف قضیه افغانستان گروه شیعیان افغانستان خودمان که نمی شدیم همان احمدمسعود با آمریکایی بود ما هم می شدیم یک جریان در درگیری آنجا قرار می گرفتیم برای خودمان یک جبهه ای که الان اسرائیلی و آمریکایی دنبال آن هستند یک جبهه ای رای خودمان این طرف باز کنیم که یک بخش کشور هم درگیر می شد، یک راهش این بود، غیر از این هم راهی نیست حالا راه بعد را هم عرض می کنم چه راهی، راه دوم این است که ما این را تبدیل می کردیم به یک فرصت یعنی از طالبان و قضیه افغانستان برای آن چیزی که جزو اهداف انقلاب و نظام و منافع انقلاب و کشور ما هست استفاده کنیم، ببینید یک اتفاقاتی اینجا افتاد اگر بخواهید چیزی بگویید از قول من نگوید اینها را من می خواهم اگر هم فکری کردیم به یک جمع بندی برسیم، ما در 20 سال گذشته طالبانی که دشمن ما بود تبدیل کردیم عامل خودمان ببینید طالبان را ما فقط از آنها حمایت می کردیم برای درگیری با آمریکایی ها، برای فرار مفتضحانه آمریکایی ها، آنها نیامده بودند که بروند از افغانستان، آمریکایی ها آمده بودند غیر از اینکه در آنجا مستقر بشوند از معادن بسیار ارزشمند افغانستان استفاده کنند هم هزینه خودشان در بیاورند و هم سودش را ببرند وقتی که یکی معادن ناامن شد چطوری می خواهند بهره برداری کنند ما یکی از کارهای طالبان که معادن را ناامن کردند، نتوانستند از معادن، می دانید که معادن بسیار با ارزشمندی در آنجا وجود دارد، شاید از نفت خیلی از کشورهای نفتی منطقه ارزشمندتر است و بعضی از باصطلاح آنجا موادی که دارد انحصاری است در افغانستان هم از نظر ارزش کاربردی و هم از لحاظ مادی، خب اینها آمریکایی ها را فراری دادند، آمریکایی ها پاکستانی ها فراری دادند، عربستانی ها فراری دادند، ما فراری دادیم، یعنی طی 20 سال گذشته بالاخره کار کردیم و آنها ایستادند و فراری دادند این کار، کار خوبی است کار بدی است قطعا کار خوبی است و استفاده کردیم از آن، پس آمریکایی ها خودشان نرفتند بیرون شدند و بیرون شدن با درگیری، اما اینکه طالبان را باید مدیریت کنیم این یک واقعیت است، پس ما طالبان را قبل مدیریت می کردیم و از

الان به بعد هم باید بتوانیم مدیریت کنیم اینکه تلاش کنیم یک دولت فراگیر روی کار بیاید یعنی یک دولت متشکل از گروه های مختلف در افغانستان این هم به نفع ماست، البته اینکه خدای ناکرده خوش خیالی کنیم من قبلا هم عرض کردم و از طرف طالبان خیالمان راحت باشد، نه، طالبان می تواند ماری در آستین باشد، کاملا این ویژگی را دارد، مصداق پرورش مار در آستین اینکه طالبان با ما بود مشکل مان حل است نه، اینکه تکفیری نیست، تکفیری به معنای تکفیر با نگاه داعش و جبهه النصره اینها مثل آنها تکفیر نیستند، اینکه می گویند به اهل بیت علاقه دارند نه اینکه اهل بیت را به عنوان امام و به عنوان جانشین برحق قبول دارند، اهل بیت را به عنوان اهل بیت، به عنوان خاندان اهل بیت، به عنوان صحابه، به عنوان تابعین، به عنوان فرزندان امام علی اینها را قبول دارند برخلاف بعضی ها که بعضی نظرات را دارند، اینکه با وهابی ها، با داعشی ها خیلی متفاوت هستند حتی اگر طالبان زیاد قوت نمی گرفت داعشی ها قوت می گرفتند، یک مدتی داعشی ها آنجا شروع کردند کارشان به رونق گرفتن، یک کسی باید اینها را بگیرد توی دست حالا طالبان گرفته بود توی دست، طالبان نگرشش از لحاظ سیاسی به سمت اخوانی هاست ولی معتقد به تشکیل حکومت در محدوده سرزمینی خودش است، البته اینکه مثلا نیتی را ابراز کند، بعضی هایش واقعی است اعتقادی است و بعضی های آن سیاسی است، مثلا اینکه می گوید اسلام مخالف انتخابات است اینها اعتقادی نیست، می داند اگر انتخابات را برگزار بکند می شود 40 درصد جمعیت ممکن است آن 60 درصد بقیه بشود امتیازات بالایی بگیرد، لذا می گویند اسلام مخالف انتخابات هست آنها اصلا انتخابات را برگزار نکردند.

اینکه می توانیم طالبان را، البته یک نکته هم به شما بگویم، ما اینکه چشم خودمان را نبسته ایم که طالبان قدرت بگیرد، اینها از لحاظ سیستمی این تهدیدات را بدانیم الان آنها را نباید طوری بگوییم که افراد بعد از جمهوری اسلامی آلان چون طالبان با ماست و آمریکا را اینجوری کرده است دیگر هیچ قدرتی جلوی آن را در افغانستان نباید باشد این را هم ما در آن تو نفر داریم منتها نه اینکه کاری که احمد مسعود کرد، خامی کرد احمد مسعود، باید می گذاشت قدرت می گرفت، یک بخشی را با خودش همراه می کرد اینجا ناشی گری کرد، این را هم خودمانی بگویم ما احمد مسعود را هم داشتیم، هنوز هم داریم احمد مسعود را اما نه اینکه یک دفعه رفت، البته اینها هم یک مرتبه می خواهند کار را یکسره کنند. نه دیگر اغلب پنجشیر را گرفته اند، بدون درگیری هم طالبان گرفته است.

ببینید ما گیری که آنجا داریم حتما شما هم می دانید اصلا رفتن غنی خودش یک معامله بود با قطری ها و با جاهای دیگر، چون یک بحث قوم شناسی کنیم بین خود طالبان، اصلا حکومتی که تا حالا بوده مگر همه مردمی بودند از اول تاریخ تا به حالا مگر اینها به هزاران و به شیعیان مگر میدان داده اند 20 درصد مردم آنجا شیعه هستند آن هم در بدترین وضعیت هستند با کمترین امکانات و کمترین توان را دارند بندگان خدا که اصلا به آنها نگاه

هم نکردند، لذا اینکه بله ما باید طالبان را مدیریت کنیم، مراقبت کنیم که درگیری که الان که معمولاً می‌کشتند و کشت و کشتار راه می‌انداختند جزو شرایط ما بود که کشت و کشتار راه نیفتد، پذیرفتند، این فیلم‌هایی که نشان می‌دهند 99 درصد آن مال قبل است بعضی‌ها را تغییر دادند اعلام‌ها هیچکدامشان مال الان نیست مال قبل است، البته این را عرض کنم برای شما که خود طالبان هم چند جناح هستند که مهمترین جناح حقانی است که خود او دیدگاه‌های خاصی دارد، ممکن است یک گردان از اینها، یک گروه از اینها حتی شورش کنند، در مقابل اینها بایستند، با هم درگیر بشوند، یا حتی بروند بگویند برای چی ما حالا کشتارها همه مال طالبان نیست، اگر لازم شد باید ببینیم طالبان چند دسته‌ای ایجاد کنیم. خط قرمز اصلی از تبدیل شدن افغانستان یک جبهه برای ایران و برای مقاومت واقعی قشنگ رمزی که این دوم خردادی‌های اصلاح طلبها برای اولین بار خاتمی را دیدم، سائیتی را راه اندازی کردند و در سایت آن نظرخواهی کردند که برویم به نفع طالبان بجنگیم یا نرویم، نتیجه گرفتند که برویم بجنگیم، اینها کلاً با هر جنگی مخالف بودند چطور اینجا الان با برویم با طالبان بجنگیم، چه نیتی از اینکار دارند، چه هدفی از این کار دارند. چی شد سردار، خط قرمز رسانه‌ها چیست؟

ما نشود آنجا علیه جمهوری اسلامی، نشود آنجا پایگاهی علیه انقلاب اسلامی، نشود علیه ایران اینها را باید مراقب باشیم حالا این ظرافت دارد یکی این است که ممکن است با ارتباطی که می‌گیریم و بالاخره آنها ما فقط ما را بدانند و یکی ممکن است با رغیب تراشی ببینید ما توی کردستان عراق جریان اقلیم علیه ما عمل کرد ولی مدیریت کردیم بعضی مواقع در درون خودمان کسانی را ایجاد کردیم که آنها را کنترل کند، یعنی ما وقتی آن قضیه انتخابات راه پیش آمده بود، جداسازی عراق چه طوری حل کردیم، از درون خود گروه‌های آنها آدم‌هایی که با ما بودند آوردیم کمک آنها جلویشان ایستادند یعنی نیروی قدس ما آماده باشد یک یگان مهم پیش مرگ دشمن فرمانده اش دست عراقی که کسی نجنکد، آنها کسانی بودند که در درون همان سیستم بودند، فقط حزب طالبانی و بارزانی که نبودند که مقابل هم بودند در خود تیم بارزانی کسانی بودند که با ما بودند این هنر را اگر بتوانیم انشاءالله اداره کنیم، منتهی اینکه مثلاً طالبان این جریان مثلاً همراه و متدین و متشرع و... بله این را به شما بگویم جریان سنی هر کجا شکل بگیرد و اعتقادی باشد به ضرر ما می‌شود. ولی فعلاً کاری با ما ندارند ولی دشمنانشان که چیز بشود.

فعلاً تمایلش به مصر و تمایلش به عربستان بیشتر از ما است، با امارات و با قطر بیشتر از ماست، ولی الان با ما هستند و ما بر علیه آنها استفاده می‌کنیم باید چشم مان باز باشد، نشوند علیه خود ما همین، ولی خب اینها الان علیه ما هستند نه علیه ما نیستند به نفع ما آنجا دارند کار می‌کنند، بله اگر زورمان می‌رسید می‌رفتیم مثلاً در لبنان، بهتر از لبنان داریم مثلاً می‌رفتیم در لبنان حکومت اسلامی ایجاد می‌کردیم خیلی آرزومند بودیم، جزو آرمانهایمان است ولی سید حسن نصرالله می‌آید کاندیدای مسیحی بدون حجاب را می‌گذارد

در لیست خودش به اسم طرفدار جبهه مقاومت که راهی غیر از این نیست، لذا آن چیزی که دوستان خیلی تعریف از طالبان می کنند را ما قبول نداریم بالاخره ممکن است فردا یک اتفاقی بیفتد، تا حالا شما از طالبان تعریف می کردید چی شد، حالا بد شد، ممکن است فردا در مقابل جنگ هم فرار بگیریم.

حالا من پیشنهادی برای تیتراژ این مصوبه دارم، اینکه ما رسانه هایمان روایت یک دست ارائه ندهند، یعنی یک روایتی را ارائه نکنیم که بعداً بگویند اینها صد در صد حمایت کردند یا صد در صد مخالف بودند ما توصیف کنیم بگوییم آقا این مخالف دارد و موافق هم دارد.

ببینید بهترین کاری که آقا فرمودند منافع مردم ما باید بگوییم، آقا ما تمام تلاشمان یعنی جمهوری اسلامی بین تمام گروه های افغانی صلح برقرار شود، با هم جنگ نکنند، با هم رفیق باشند، با هم دوست باشند، البته اینجا یک اشتباه بزرگ است که فرار مفتضحانه آمریکایی ها را اینها خنثی کنند یعنی ما فراموش کنیم که آمریکایی ها از آنجا فرار کردند، دنبال این هستند که ما باید مراقب این باشیم انشاءالله، ببینید ما طالبان را روایت نمی کنیم منتها ملایم بگوییم یعنی بله طالبان یک خرده خطایی داشته هنوز هم. نه تطهیر کنیم و نه بترسانیم.

بله نه تطهیر کنیم و نه بترسانیم، نه بگوییم الان جمهوری اسلامی نه احمد شاه مسعود را نماینده واقعی می داند و نه طالبان نماینده مردم است، اینها جمع شان می شوند نماینده مردم ما هم دنبال این هستیم که بین اینها وحدت برقرار بشود، البته ما فکر کنیم که طالبان فردا می آید انتخابات برقرار می کند و عدالت یا ازبک ها شما آدمید، اینکار را نمی کند و اگر اینها قدرتمند بشوند، مثلاً گروه پنجشیر و جاهای دیگر قدرتمند بشوند که تا حالا این اتفاق نیفتاده ما بهترین کار این است که ما بتوانیم اینها را مهار کنیم، شما الان اخوان المسلمین در مصر چقدر با ما چیز بودند، آن یارو مرسی شد رئیس جمهور آمد در ایران آنطور صحبت کرد و در پشت پرده بدتر آن را هم انجام داد.

عرض کنم ما نباید تطهیر کنیم و نباید مردم را بترسانیم یعنی بین سیاست فعلی که جمهوری اسلامی انجام می دهد بگوییم برای جلوگیری از خون ریزی، برای ایجاد صلح و دوستی، برای منافع ایران، در مرز شرقی درگیری نباشد و اینها که می گویند برویم بجنگیم می خواهند وارد درگیری بشویم ما در اینجا که داعشی ها گفته بودند هدف ما رسیدن به ایران، حاکم برای ما معرفی کرده بودند، داعشی ها برای ما امیر گذاشته بودند ولایت به ولایت، با اینها می رفتیم، اینهایی که می گویند ما با ایران مشکلی نداریم و هدف هم ندارند و بی اعتقادی علیه ایران ندارند، آن تحلیل هایی هم که بعضی اوقات می کنند بعضی از عناصر آنها می کردند که الان نداریم، بخاطر بحثی هایی است که ما داشتیم، در درگیری دوره قبل طالبان کمک احمد شاه مسعود کردیم، در قضیه شکست طالبان کمک کردیم خیلی فضا ناجور بود می تواند اینطور باشد نه تطهیر و نه ترس.

حالا گروهی آمریکاییها را فرار داد، الان می خواهد حکومت تشکیل بدهد و مردم افغانستان هم پذیرفته اند و همراهی می کنند، حالا می گویند که چرا در لبنان آنجور، در عراق اینجور، در سوریه آنجور، این خودش کاملا جواب دارد بالاخره روشن است که صحنه خیلی متفاوت است با هم.

بحث بعدی که فرمودید، بحث شانگهای، بالاخره فرصتی است که ما این را برجسته کنیم انشاءالله بحث عضویت ایران در آنجا هست به عنوان دستاورد که جمهوری اسلامی مدت ها دنبال این است که می خواهد از فرصت اقتصادی استفاده کند، پوشش خوبی بدهیم و بهره مند بشویم.

بحثی که در فرمایش دستان بود، بحث دولت و انتقاد کردن و نکردن بود، اولاً من نظرم این است که روی این موضوع کار کنیم که از لحاظ فنی چطوری عمل کنیم که اگر یک کارگروهی گذاشته بشود و بعد بیاییم اینجا بحث کنیم که از نظر فنی چطوری عمل کنیم انجام بدهیم کلیت موضوع هم با نظر و فرمایشات دوستان هم مخالفم و هم موافق برداشت های خودم را عرض کنم اگر یادتان باشد در جلسه ای گفتم یکی از کارهای ما مطالبه است، اگر نکنیم دو تا اتفاق می افتد یکی اینکه موریانه وار می آیند بدنه دولت را خراب می کنند، مثلاً اشاره کردند وزیر ارشاد را می ترسانند که این کار انقلابی نکن و آن کار انقلابی را نکن آنها کار خودشان را می کنند و ایشان هم تبدیل می شود به همانها فرقی نمی کند می ترسانند این درست است، دوم اینکه به وظیفه خودمان عمل نکردیم وقتی ما به وظیفه خودمان عمل نکنیم دیگران سو استفاده می کنند، اینجا چند تا نکته وجود دارد 1- ما الان ایجاد امید، این را دقت کنید، الان آستانه تحمل مردم ما وحشتناک پایین آمده است و حق دارند بعضی جاها، ما تا می توانیم امید ایجاد کنیم لذا من برداشتم این است به جز مطالبات دینی، اعتقادی و انقلابی که در مجموعه ای من بودم چی هست به سمت نقد دولت به گونه ای که ناامیدی ایجاد کند نرویم نق زدن مردم بگوید این هم شد همان نرویم، بله بگوییم که آقای رئیسی در نظرش این است وزیر ارشاد شما نظرت این است ما کمک می کنیم برو این را انجام بده، یک موقع این را می گوییم، شما هم شدی وزیر راه، شما هم شدی فلان و... ما بتوانیم مدتی تا دولت مستقر بشود و بتوانم امیدی در مردم ایجاد بکنیم و یک مقداری مردم به آرامش برسند خدا کند که در بحث های دیگر هم گشایش ایجاد بشود در مسائل اقتصادی باید تا آنجا که ممکن است الان به سمت انتقادهای تند که یاس و ناامیدی ایجاد می کند اصلاً نرویم این اصل مطلب بود، اما فعلاً من می گویم ملاک هایمان را بگذاریم فرمایشات حضرت آقا خیلی گویا و روشن است آنها را بگویید، یعنی مبارزه با فساد است، عدالت طلبی، منتها عدالت طلبی که عدالت خواهان می گویند یعنی قر و قاطی می کنند به هم گفتمان باید یک گفتمان روشن، گویا و کارهای مثبت هم به ویژه بگویید، مطلب روشن هم بگویید جاهایی هم که مبهم است فعلاً ورود نکنید، خداوکیلی سخت است، مثلاً الان استاندار سیستان و بلوچستان را من اصلاً نمی شناسم، دورادور اطلاعات دارم، مدت هاست

که بحث بر این است که کی را بگذارند مولوی عبدالحمید هفته گذشته آمده تهران که رایزنی بکند که کسی فلان را بگذارند، قانون گذاشتند بررسی کردند ممکن است که من و شما هم انتقاد داشته باشیم، می گویم الان شناخت ندارم می تواند یک سری کار اساسی آنجا انجام بدهد که کارگشا باشد ایشان است جمع بندی کردند الان ما باید بیاییم بگوییم این اشتباه است، غلط است، ما الان بگوییم آقای مدرس خیابانی تو رفتی با این رسالت این را تقویت کنیم، تو رفتی با هدف، تو رفتی با این نیت، این خواست آقا از دولت است و خواست دولت از یک استنادار به نوعی انقلابی و حزب الهی است را از ایشان بخواهیم، هیچ کس هم به شما نمی گوید دولت را تخریب می کنید می گوید من اعتقادم این است، ولی الان بگوییم ما این را در آوریم که شما اینقدر حقوق گرفتید می گویند ای بابا این هم آدم طاغوتی است، این هم سرمایه دار است، ولی در حد حرفی هم باشد اینها را به تاخیر انداختن برای جای خودش می طلبد و لازم است به ویژه ببینید جریان ما در تقسیم کار و جریان اصلاح طلب در دوره گذشته اگر یادتان باشد تمرکزش روی تخریب آقای زاکانی بود که یک سری از بچه های خودمان هم او را همراهی کردند، به اعتقادم کمک کردند به آنها، بسیج دانشجویی فلان دانشگاه و...، چرا اینجوری بود، چرا خلاف عمل می کنید در صورتی که بین خودشان تقسیم کرده بودند اصلاح طلب ها زاکانی را بزنند به عنوان نیروی ارزشی و انحراف و بعضی ها رئیسی را بزنند به عنوان اینکه ارزشی حساب می شد و الان دارند دنبال می کنند ضمن اینکه ببینید برنامه ریزی که الان دشمنان خارجی کردند آمریکا، حضرت آقا هوشمندانه فرمودند که اشاره کردند که شما مشتاق خودتان را نشان ندهید

از دقیقه 74 تا 80 تایپ شد

یعنی اینکه ما انتقاد خودمان و مطالبه را داشته باشیم بدون اینکه آثار تخریبی و ناامیدی. دقیقاً.

این مهم است که داشته باشیم.

انتقاد را شنونده وقتی می شنود کیف کند نه اینکه لج کند.

دانشجویی که مشکلی داشت من دوستان گفتم بحث بی اطلاعی است حالا آنجا نه ولی خبرنگار باید همه چیز را بداند یعنی وقتی مثلاً قضیه طالبان پیش می آید اینها باید یک کارگروه چند نفره بگذارند و آن را طراحی کنند یعنی وقتی اتفاق می افتد اول باید خودمان توجیه باشیم چی اطلاعات ما، چی هست پشت صحنه، اتفاق واقعی چی هست این را اگر بدانند بهتر همراهی می کنند، مثلاً یک بنده خدایی به من گفت شما با روسیه البته بحث این

مفصل است این سیاه و است و فلان است و بهمان است گفتم شما فکر می کنید ما نمی دانیم، بعد قضیه سوریه بود گفتم شما نظرتان در مورد فلان گروه، فلان گروه چی هست، گفت می خواهم که همه از بین بروند، گفتم اتفاقا من الان در آن گروه نفر داریم، در آن گروه نفر اول را داریم، اینقدر ابله که نیستیم، ما در سوریه از بشار اسد حمایت می کنیم، حواسمان به این گروه ها هست، بی عقل که نیستیم ما رهایش کنیم که کلا هیچی، ما نمی دانیم که مثلا اگر روسیه فرصت پیدا کند از همه بیشتر روسیه می ترسد ما هسته ای بشویم، از همه دشمنانمان بیشتر وحشت دارد و مردم نمی دانند، جمهوری اسلامی این را نمی داند، نمی آییم این را بگوییم، نمی آییم خودمان را درگیر کنیم، از این فرصت استفاده می کنیم برای آن اهدافی که داریم این را بشینیم اگر بشود کارگروه مشخص شود.

شاخص کارگروه.

نه من آن شاخص ها را نمی خواستم بگویم مثال عرض کردم، می خواهم بگویم یک کارگروه سه چهار نفره که اهل این کار هستند مشخص بشود و بشینند و در آنجا ارائه کنند، بگوییم آقا ما نقد و مطالبه که از همه مهتر مطالبه است، مطالبه هم می شود فرمایشات حضرت آقا، مرتب این را گوشزد کنیم به دولت مردان، حالا که استان ها همین را داریم سیستم دیگر هم همینطور و اگر مجموعه این جمع خود اینها جریان سازی کنند، خود به خود این ادامه پیدا می کند و مثل یک موج می رود همه مجموعه را در بر می گیرد، ما الان باید آبروی دوم خردادی ها را می بردیم که شما برای دفاع از مردم مسلمان عراق در مقابل داعشی های تکفیری، مردم سوریه در مقابل داعشی های تکفیری، داعشی هایی که گفته بودند ما حکومت جهانی راه می خواهیم بیندازیم که بخشی از ایران را به صراحت جزو نقشه خودشان آورده بودند برای ما امیر انتخاب کرده بودند می گفتید چرا رفتید، الان می گوید برویم با آمریکایی ها بجنگیم، یعنی برویم کمک کنیم به آمریکایی ها و با طالبان بجنگیم، عذر می خواهم برعکس برویم با دشمنان آمریکایی ها بجنگیم، اینجا شما زرنگ شدید تازه جالب است همین طالبان اگر روش یا شیوه دیگری داشت، افکار دیگری داشت اینها پیشنهاد دادند آقای امین زاده رسماً اعلام کرد اکثر اینها می گفتند که شما بیایید از طالبان حمایت کنید، اعلام حمایت از طالبان کردند حالا اینجا می گویند آقا برویم با طالبان بجنگیم چون آمریکایی ها اینجور می خواهند.

صدام در جنگ خلیج فارس.

خالد ابن ولید.

درست مثل جنگ خلیج فارس، اصلاً مهمترین امید آمریکایی ها از تخلیه افغانستان این بود که دید اینجا یا باید بایستد یا برود، آمریکایی ها که بخاطر ترس نرفتند، بخاطر فشار که نرفتند، دیدند برایشان دیگر هیچ فایده ای ندارد در اهداف خودشان شکست خوردند گفتند یک کار دیگر می کنیم به جای اینکه ما اینجا بایستیم و درگیر بشویم، می رویم و اینها با

هم درگیر می شوند ممکن است چین، پاکستان و ایران هم بیایند وسط درگیری اینها با هم درگیر می شوند تا حالا آنها سر ما کلاه گذاشته اند، می دانید که در زمان شوروی سابق آمریکا سر شوروی کلاه می گذاشتند یک درگیری منطقه ای ایجاد می کردند، شوروی با تانک راه می افتاد، یگان راه می انداخت، اکثر جاهایی که شوروی گرفت با تانک گرفت، اسم آن بستگی به اعتقادات مارکسیستی بود با تانک می گرفت، هزینه برای خودش می تراشید با این هزینه بیچاره کرد آمریکایی ها را، آمریکایی ها الان بعد از سقوط شوروی جای آنها را گرفتند، یک جا با جنگ است و یک جا با پایگاه نظامی و هزینه می دهد هی برای خودش در دسر ایجاد می کند، در افغانستان بیدار شد گفت 20 سال است در افغانستان هزینه می کنم الان فرار کنم بروم و بعد چکار کنم که درگیری بگذارم جای خودم، جمهوری اسلامی هم فراری داد آمریکایی ها این هنر را بروز داد از خودش، تقریباً سپاه دیگر این هنر را به خرج داد آمریکایی ها را فراری داد ولی تا حالا اجازه نداده درگیری در افغانستان بوجود بیاید آنکه تصور می کرد در گروه آن طرف و گروه این طرف و... عرض کردم البته ما باید توان مقاومت در مقابل طالبان را داشته باشیم اگر طالبان خواست پس فردا چموش بازی در بیاورد، پدر سوخته بازی در بیاورد کمک کنیم ولو آن مسائل خودش را دارد. دستور داده اند روستاهای 40 کیلومتری مرز ایران را شما خبرش دارید که بکشند عقب یعنی ایران گفته بود و آنها هم پذیرفته اند.

بله، آنها دارند همراهی می کنند منتها آدم عاقل باید مراقب باشد، می گویند با مراقب دوستان هم باشیم چه برسد به آدمی که تفاوت هایی دارد اما حالا بیایم ما خودمان را درگیر کنیم و بزن و بکوب راه بیندازیم و شیعیان افغانستان را بفرستیم جلوی آنها قتل عام کنند یا نیرو برداریم بفرستیم جایی که هیچ مشکلی ندارد، مشکل برای خودمان ایجاد کنیم این خواست آمریکایی هاست، این را اگر برادران رسانه ای کامل متوجه بشوند خودش با شوق و ذوق حمایت می کند، حالا دوستانی که شوق و ذوق اینکار را دارند شما بگذارید در یک تیمی طراحی کنند و بعد مراحل خودش را طی کند که انشاءالله بر مبنای آن مطالبه گری و هر کاری انجام بدهیم.

از دقیقه 83 تا 98 تایپ شد

یکی این است و یکی هم بحث ارتقای کارآمدی این مجموعه ها چکار بکنیم که قوی تر باشند، میداندار باشند، در خط اول باشند، ویتترین باشند، چکار بکنیم، چه اتفاقی باید بیفتد. سردار این وزرای که آمدند در بحث ارشاد با همه جلسه گذاشتند.



من این را هم بگویم ببینید ما در بحث برنامه های بسیج که هم به ایجاد امید کمک می کند و هم به ارتقای منزلت بسیج کمک می کند، بحث واکسیناسیون که با قوت انجام می شود، ما قبلا اعلام کردیم به وزارت بهداشت، شما این را تیترا کنید این خوب است، ببینید ما الان هزار تا مرکز تجمع که هر کدام ممکن است 15 تا 20 تا ایستگاه داشته باشد یعنی می شود هزاران ایستگاه واکسیناسیون گفته ایم ایجاد می کنیم، یعنی توافق کردیم و امضا کردیم با وزیر بهداشت، منتها آنجا اعلام کردیم که شما هر میزان نیاز دارید ما ایجاد می کنیم، خواهش این است که چند تا موضوع را تیترا کنید 1- ما ضمن اینکه هزار تا توافق کردیم اعلام کردیم که به هر میزانی که وزارت بهداشت نیاز به مرکز واکسیناسیون جمعیتی یا حتی به صورت محدود، مثل مراکز بهداشت و... داشته باشد انجام بدهیم ولو هر حوزه مقاومت و هر مسجدی را کردیم مرکز واکسیناسیون که در آینده دچار مشکل می شویم 2- تیترا بزنید که آقایان ما تا حالا یک ریال از وزارت بهداشت برای این موضوع نگرفته ایم و یک ریال هم به بسیجی ها نداده ایم، ممکن است حالا استانی چیزی به صورت تشویقی داده باشد و ما خبر ندارم ولی چیزی حالا ما پولی بگیریم و بدهیم به بچه های بسیجی که کار می کنند همه اینها نه تنها داوطلبانه ما خیلی جاها هزینه ها را هم خودشان کردند، مرخصی بدون حقوق، بعضی بسیجی کارمند بوده رفته مرخصی بدون حقوق گرفته و آمده واکسیناسیون انجام می دهد البته این را نمی دانم شاید این را صلاح نیست بگویید کارشکنی ما قبلا در سطوح بالا و الان در پایین داریم،

آخه سردار اینها بغل دست پرستاری می ایستند که دارد ساعتی می گیرد و به گوش اینها می خواند.

بله ما داریم بحث می کنیم الان، ببینید ما به یک مرکزی رفتیم حالا نمی دانم چطوری می شود گفت، اصلا صلاح است یا نه، ما دو نوع ماموریت داریم یکی مشترک داریم که ما هستیم بهداشت درمانی ها هم هستند ممکن است بچه های هلال احمر هم باشند این مشکل را ما داریم یعنی طرف باید صبح ساعت 7 باید بیاید که ساعت 8 یا 9 می آید ما با آقای دکتر زالی تهران را صحبت کردیم که سایر استانها هم را حل کنند که به بچه های ما پسورد بدهند که اینها خودشان بروند و ورود کنند و کار را انجام بدهند و از آنطرف هم می خواهند زود تعطیل بکنند و بروند که آمادگی 3 شیفت را هم داریم باز این را اعلام آمادگی می کنیم. من یک چیزی شنیدم این را نقل نکنید این را گفته باشم، دکتر زالی هم می داند یک مرکزی رفتیم که من در زمان جنگ برخورد داشتم ما در زمان جنگ ما یک بحثی ببا بچه های ارتش داشتیم که ما هیچی نداشتیم حتی خمپاره نداشتیم ما می رفتیم داخل عراق می دیدیم که عراقی نشستند زیر آفتاب، والیبال بازی می کنند چیزی نداشتیم بزنیم، خلاصه ما رفتیم پیش آقای عطاریان فرمانده منطقه غرب که این موضوع مال سال 60 بود که بعدا اعدام شد و جاسوس از آب درآمد، بعد رفتیم گفتیم آقا ما توپخانه شما را گرا می دهیم شما بزنید گفت ما بلد نیستیم گفتیم ما بلد هستیم آموزش دیدیم ما را فرستاد پیش یک سرهنگ که اسم

نمی برم، 30 تا پله را رفتیم پایین من تعجب کردم آن موقع هم از پشتیبانی جنگ و... خبری نبود از لحاظ مهمات و... مشکل داشتیم ما می رفتیم بچه های ارتش بالا مستقر بودند و ما پایین تر که یک وقتی کنسروهای تاریخ گذشته را پرت می کردند به رودخانه که ما از این طرف می گرفتیم نان که خراب می شد دفن می کردند و ما می رفتیم از زیرخاک در می آوردیم و می شستیم و می خوردیم و... بعد رفتیم گفتم آقا می رویم آنجا می بینیم برای خودشان دارند می گردند با هم تقسیم کار کرده بودند تعهد نا نوشته داشتند عصرها که خنک بود به هم تیراندازی نمی کردند، خمپاره کار نمی کرد و توپ کار نمی کرد، گفتم که ما می خواهیم این کار را بکنیم، این کارشکنی کرد که نشود بعد آخر یکی از بچه برگشت گفت که شما با مخالف جنگ هستید، آن خیلی ناراحت شد گفت من طرفدار جنگ هستم کجا من مخالف جنگ هستم، یک مشت دانش آوردند به آنها یاددادند که ما با جنگ مخالفیم، جنگ برای من بد نبوده که ماشین عوض کردم، خانه ام را دارم عوض می کنم، ما اینقدر برایمان عجیب بود که، حتی آنها را با گروه فوق العاده می آوردند در خط می ماندند، حاج آقا خدا وکیلی ما یک ساعت و نیم آنجا بودیم اینها هیچ کدامشان از مشکلات خود نگفتند فقط گفتند واکسن، ساعت کار، اینها با ما باشند، زودتر بیایند، بچه های جوان، میانسال و سن دار، آخر گفتند این مشترکات را من یک چیزی می خواهم بگویم اگر شما چیزی نمی خرید ما خودمان یک چیزی بخریم مثل ناهار و پذیرایی و... گفتند نه مثلا 5 نفر هستند فقط برای 5 نفر خودشان ناهار می آورند، بعد آنها می گفتند که اینها به ما می گویند آبان تمام بشود، بهمن تمام بشود چرا تمام بشود، حالا حالاها باشد چه ایرادی دارد که اینکار بیفتد برای سال آینده وقتی این را به ما گفتند وحشت ما را برداشت گفتم اگر اینها آدمهایشان اینها باشند پس کارشکنی آنها برای این است بعد ما را موظف کردند که بپذیریم، یکی آمد گفت شما نیروی موظف دارید ولی فایده ندارد گفتم چرا گفتند آنجا که می می خواهند ثبت کنند بجای اینکه 1000 تا نوبت بدهند 500 تا می دهند چون آنجا ثبت نام آنجا دست خودشان است و دوست دارند که ادامه پیدا بکنند چون ساعتی 30 هزار تومان تا چهل هزار تومان اضافه کار می گیرند چنین کارهایی را در سطوح پایین داریم در صورتی که الحمدلله آمادگی خیلی خوب است و بچه ها روحیه دادیم گفتم که آقا ما در زمان جنگ می رفتیم ما را راه نمی دادند، به ما فحش می دادند حالا اگر به شما هم 4 تا حرف می زنند تحمل کنید.

برای اینکار برنامه ای تدارک دیده شده که به عنوان نهضت خدمت مومنانه در هفته دفاع مقدس و آخر ماه که این جدول را خدمت شما می دهیم در اینجا برنامه مختلف از تهیه لوازم التحریر تا خدمات پزشکی تا خدماتی که به شکل های مختلف باید به صورت محرومیت زدایی باید انجام شود، تهیه جهیزه است حتی بحث واکسیناسیون انشالله این را خوب پوشش دهید شما به عنوان طرح هدفمند برای دوستان فرستادید چون به عنوان هدفمند شما این را بفرستید برای همه چون این باید پوشش خوبی بشود.

بفرمایید آقای قاسمی

بسم الله الرحمن الرحيم

طرح شهید سلیمانی در بحث واکسن الحمد لله حال مردم بهتر شده.

البته بخش هایی می توانست در زمان روحانی اتفاق بیفتد

آقای قاسمی معاون خود وزیر بهداشت این را به من گفت ایشان گفت ما چند بار به آقای روحانی گفتیم

به چینی ها زنگ بزنید که چینی ها بخاطر دلخوری واکسن کمتر می دادند خودش گفت در جلسه که چینی

ها دلخوری پیدا کرده اند در مورد این موضوع.

آنها دوست داشتند که به دلایلی به ما کمک کنند ولی اینها نمی کردند.

روس ها چرا کمک نکردند سردار؟

روسها نتوانستند تولید بکنند چون مشکل پیدا کردند.

ولی ژاپنی ها و... چون ما نپذیرفتیم آزمایش های خود را در ایران انجام بدهند، اینها برنامه

ای داشتند که می گفتند اگر دوره آزمایشی را شما می پذیرید، که ما گفتیم نمی خواهیم بشویم

موش آزمایشی به اینها که آنها نپذیرفتند.

سردار پس خدمت شما که اتفاق خوبی افتاده الان آن تلاطم و آن فشاری که واکسن را چرا

نمی آورید خدا را شکر با این اقدام انقلابی که اتفاق افتاد که حتی بحث آن fatf و... بی

اثر کرد که می شود کاری را انجام داد یک اتفاق برای بسیج که ما به عنوان بسیج الان

این نقطه عطف داریم، این نقطه عطف را به نظرم نسبت به آن بی تفاوت عمل می کنیم الان

وقتی واکسن وجود دارد در کشور چرا شبانه روزی زده نمی شود.

الان شد شبانه روزی.

ما گفتیم 3 شیفت، بعد به من می گفت 3 شیفت چی هست از آقایان وزیر گفتند سه شیفت

دیگر یعنی تعطیل نشود، یکی از آقایان گفت مثل بیمارستانها، چون در بیمارستانها بیمار

اصلا متوجه نمی شود که شیفت ها کی عوض می شوند، اتفاقا ما یک فشاری روی آقای

حسن زاده آورده بودیم در تهران که نیروها را زیاد کن، وقتی رفته بودم بازدید آقای حسن

زاده جمله خوبی را گفت، گفت ما آخر بی خودی چرا نیروها را زیاد کنیم همین ها را سه

شیفت کنیم.

سردار حرفم دقیقا همین است من بسیج دانشجویی را یک نمونه برای شما عرض می کنم،

بسیج دانشجویی یکی از پایگاه های بسیج در بین آن پایگاهها هست تشریف آوردید و دیدی

فضای مناسب آنجا را واقعا همین یک شیفت را من از بچه های آنجا پرسیدم که چرا سه

شیفت نمی کنید مشکل این بود که نیرو وجود نداشت، یعنی همین الان شما می گوید سه

شیفت نیرویی که اینکار را می خواهد انجام بدهد وجود ندارد من حرفم این است وقتی که

نیاز باشد آموزش می دهند و بلافاصله این کار انجام شد الان ما این فرصت یکی دو هفته

را که داریم و تالان که واکسن است که وقتی گفتند که آمار را بیاورید تا مهر تمام بکنید چرا.

این هدف گذاری شده و نیاز هم هست واقعیت این است که ما می ترسیدیم از دانشجویی می ترسیدیم ما مشکل دانشجویی را داشتیم که من خودم فشاری هم آوردم و گفتم که این را شلوغ نکنید توی چشم هست اول می خواستند بکنند 1000 تا من گفتم نه 500 تا، تا ببینیم کشش دارد ولی حل می شود اینها و چون آنجا توی چشم است.

حاج آقا اگر بتوانیم بگوییم که این هفته از یک تاریخ مشخصی را بفرمایید مثلا از 31 شهریور که آغاز هفته دفاع مقدس است بحث واکسیناسیون واکسن طرح شهید سلیمانی سه شیفته می شود بسیج توان در واقع تمام مراکز جمعیتی همه را سه شیفته کرده و آن وقت ما هم فرصت خوبی برای تبلیغ داریم و هم می توانیم.

ما الان بسیج را داریم سامانه بهداشت ما از سامانه بهداشت آلمانی ها شلوغ تر است ولی تعداد واکسنی که می زنیم در دنیا چهارم یا پنجم است، با اینکه واکسن هم داریم اگر ما بسیج را داریم باید اول دنیا باشیم.

داریم تلاش می کنیم البته یک گیرهایی داریم و یک بخش هم این است که وارده ها تبدیل بشود به البته عدد وارده را می گویم تا تبدیل بشود یک زمانی هم می برد باید تست بکنند. بالاخره باید فرصت طلایی را از دست ندهیم ما با این.

اگر بتوانیم یک سقف بزنیم مهم است.

ما داریم تلاش می کنیم متأسفانه بعضی ها چه در داخل خودمان و یا بیرون خودمان تلاش می کنند این اتفاق نیفتد نه از داخل بسیج و... بعضی از دوستان مگر ندیدید همین وزیر می گفت داوطلبان مردمی، بسیج که ما اصلا داوطلبان مردمی نداریم این جملات مثلا شما کجا دارید حالا هلال احمر جمع محدودی دارد داوطلبان مردمی غیر از بسیج نداریم که یهو پیک که زدند مساجد نمی دانم فلان و بسیج.

حاج آقا من نظرم این است میداناری مطلق بکند.

بسیج میداناری مطلق کرد یعنی بسیج بیاید بگوید بسم الله الرحمن الرحيم واکسن را من جمع می کنم

بله اعلام آمادگی شد داریم دنبال می کنیم.

سردار بچه های بسیج اینها رفتند دانشجویان پرستاری و اداری آوردند بعد به آنها حقوق می دهند بعد بسیجی ما کنار گوش اینها خنده و کرکر می کنند بماند.

